شهید علی راه خسروانی

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	
تاریخ تولد	۱۳۴۵
محل تولد	بوشهر – دشتستان
تاریخ شهادت	۲۰/۸/۱۳۶۱
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	کمک بی سیم چی
نوع عضویت	بسیجی
شغل	محصل
تحصیلات	سیکل
مدفن	گلزار شهدا شهر دالکی

زندگینامه

زندگی نامه شهید علی راه خسروانی:

شهید علی راه خسروانی فرزند عوض در سال۱۳۴۵در روستای دالکی در خانواده ای مستضعف ولی خداجوی به دنیا آمد و در دامان مادری با تقوا و پدری مهربان پرورش یافت.در سال۱۳۵۱وارد مدرسه شد.هم زمان با ادامه تحصیل در اوقات فراغت تابستان کار می کرد تا به امرار معاش خانواده خود کمک کند . علاقه شدید وی به مذهب او را به مسجد و مجالس مذهبی هدایت کرد . هم زمان با اوج گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی با وجود کمی سن ، شور و شوق زایدالوصفی نسبت به فعالیت و شرکت در راهپیمایی و سایر برنامه های سیاسی مذهبی نشان می داد . با تشکیل بسیج در روستا در آن جا نام نویسی کرد و در کلاس های آموزش فنون نظامی شرکت کرده و یکی از اعضای فعال بود . هم زمان با تحصیل پا به پای سایر برادران بسیجی شب ها را به نگهبانی و پاسداری از محل سپری می کرد . با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به علت کمی سن و پیری پدر از اعزام ایشان به جبهه خوداری می شد. ولی سرانجام در تاریخ۲۷/۷/۱۳۶۱به شیراز اعزام شده و از آن جا به کربلای ایران(خوزستان)رهسپار گردید . در حمله محرم مسئولیت کمک بی سیم چی را به عهده داشت و سرانجام در مرحله سوم این در عملیات تاریخ۲۰/۸/۱۳۶۱در جبهه عین خوش بر اثر تیر دشمن شربت شهادت را نوشید.

وصیت نامه

وصیت نامه علی راه خسروانی:

بسم الله الرحمن الرحیم

این جانب علی راه خسروانی وصیت نامه خود را با نام خدا و با یاد امام خمینی شروع می کنم و عازم جنگ حق علیه باطل می شوم که با نثار جان ناقابل خود بتوانم دین خود را نسبت به این انقلاب و به این اسلام عزیز ادا کنم و به منافقین – این از خدا بی خبران – بفهمانم که اگر من در صحرای کربلا نبودم که به یاری امام حسین(ع)و یارانش بشتابم امروز به ندای حسین زمان خمینی بت شکن لبیک می گویم . و اما پدر و مادر عزیزم شما در نبودن من نگران نباشید زیرا من راهی را انتخاب کرده ام که همانا سعادت و خوشبختی است و حتی یک قطره اشک هم از چشمتان بیرون نیاید زیرا که دشمنان اسلام خوشحال می شوند . پس خندان و خوشحال باشید که چنین فرزندی را در آغوش خود پروراندید و تحویل جامعه دادید و او را راهی جبهه جنگ حق علیه باطل نمودید، و امیدوارم که خداوند قادر و متعال صبری بس بزرگ به شما عنایت نماید . و شما ای خواهران عزیز سیاهی چادرتان مشت محکمی به دهان تمامی جهان خواران بوده و سیاهی چادرت از خون رنگین من با ارزش تر استو پیامم به ملت قهرمان و شهید پرور ایران این است که امام خمینی و روحانیت مبارز و اصیل را تنها نگذارید و به یک یک سخنان ایشان گوش کنید که خون این همه شهید از دست نرود و خط سرخ شهادت که همانا راه امام حسین (ع) و رهبر آزادگان است ادامه یابد .و پدر جان چندین رکعت نماز قضا دارم و از شما می خواهم که آن را هم به جا آورید . و در پایان سلام همه دوستان و آشنایان را می رسانم و از همه آنها به خصوص پدر و مادرم که در بزرگ کردن من رنج کشیده اند می خواهم که مرا حلال کنید.اسلام پیروز است و همه جهان خواران نابودند.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

علی راه خسروانی

مصاحبه

دوست و همرزم شهید از یار دیرینه اش می گویدکه:

این جانب رضا بوستانی از دوستان و همرزمان شهید علی راه خسروانی هستم من از زمان کودکی با علی آشنا بودم.ایشان همیشه احکام دینی اسلام را مطالعه می کرد و واجبات را هیچ وقت ترک نمی کرد.در مراسم دینی و مذهبی شرکتی فعال داشت.همواره ما را ارشاد و راهنمایی کرده وبه انجام واجبات دینی تشویق و ترغیب می نمودونیز ما را به ادامه تحصیل تشویق می نمود. و خودش نیز در زمینه تحصیل جز دانش آموزان ممتاز و برگزیده محسوب می شد.علی فردی مهربان،باگذشت،دلیر ،متین و خوش اخلاق بود.و دربین افراد خانوداه اش ممتاز و نمونه بود.با دوستان رابطه تنگاتنگ و صمیمی داشت به طوری که دوستان و آشنایان از همنشینی با او سیر نمی شدند.

بزرگترین آرزویش پیروزی مظلومان بر ظالمین و مستکبرین بود و خود نیز هیچ وقت در مقابل ظلم تسلیم نمی شد و به سختی مبارزه می کرد.او همیشه در جریان انقلاب بود و در تجمعات و راهپیماهی ها شرکت می کرد.همچنین در بسیج نیز شرکت فعال داشت.

ایشان نقش و جایگاه روحانیت را بسیار مفید و مثمر ثمر می دانست و پیروی از روحانیت متعهد را واجب.

خاطرات

شهید علی راه خسروانی در گنجینه یاد مادر:

در هنگام بارداری مامای محلی به من گفت که نوزادی کهدر شکم داری پسر است و من از این که اولین شکمم پسر است ، بسیار خوشحال بودم.بعد از تولد او را به نام پدر بزرگش علی نامیدیم.پدرش دوست داشت که این نام را بر او گذاشت.با به دنیا آمدن علی شور نشاط عجیبی در خانواده و اعضای خانه برقرار بود.

علی در دوران کودکی و قبل از دبستان بسیاری از آداب اجتماعی را از قبیل سلام کردن،دست دادن و حتی نماز خواندن را یاد گرفته بود.و دوست داشت با ما به مجالس و مراسمی که در ایام عزاداری امام حسین (ع) تشکیل می شد بیایدعلی به پدر و مادر و خواهران خود علاقه زیادی داشت و بیشتر به بازی و تفریح با همسالان خود علاقه مند بود.به مدرسه عشق می ورزید.و همیشه یک ساعت قبل از همکلاسی هایش در مدرسه حاضر می شد و حتی در ساعات استراحت نیز کتاب می خواند. در تمام مدت تحصیل دانش آموزی ممتاز بود و به همت و پشتکار پدرش مشکل خاصی در راه تحصیل وی وجود نداشت.علی همیشه تکالیف خود را مرتب و منظم انجام می داد و تمام مطالب درس را در کلاس فرا می گرفت.در درس ریاضی خیلی پیشرفت داشت.خط زیبایی داشت و در نامه نگاری و مقاله نویسی خیلی مسلط بود. متین و خوش اخلاق،معقول،مودب و وظیفه شناس بود.در تمام زمینه ها به پدرش کمک می کرد هیچ وقت در منزل با خواهر و برادرانش رفتار نامناسب نداشت . همیشه صله رحم می کرد . در برابر اقوام و دوستان بسیار مهربان و صمیمی بود و برای آن ها یک دوست محسوب می شد. دوستان دوران تحصیل شهید همگی در قید حیات هستند والحمدالله فعال و اهل قلم و علم.از جمله برادر محمد سعادت نیا فرزند شهید سعادت نیا می باشد که در حال حاضر دبیر می باشند.و رضا معتمد که مدیر مسئول روزنامه پیغام جنوب هستند.

علی فردی مذهبی و اهل تقوا و زهد و عبادت بود. علاقه زیادی به امام داشت و خود را پیرو خط امام می دانست و همیشه به ما توصیه می کرد که پیرو همیشگی امام باشید . همچنین به شهیدان بهشتی و مطهری ارادتی خاص داشت و گفتار آنان را سرمشق خود قرار می داد.به ما سفارش می کرد که روحانیت را تنها نگذاریدو همیشه با روحانیت باشید هیچ وقت در جلسات گروههای مخالف انقلاب شرکت نمی کرد و همیشه سعی می کرد که آن ها را نصیحت کند و هر وقت از آن ها ناامید می شد آنها را دعا می کرد.

اوقات فراغت خود را در بسیج می گذراند و شب ها را نگهبانی می داد.رابطه اش با دوستان بسیار خوب بود و سعی می کرد که در حد امکان به آن ها کمک کند همچنین رفتارش با من و پدرش و خیلی خوب بود و به ما احترام می گذاشت. نماز به موقع به خصوص نماز جماعت را ترک نمی کرد و همیشه روزه هایش را می گرفت . به رعایت حقوق دیگران و مساوات اهمیت فراوان و سعی می کرد حق کسی ضایع نگردد.شاو شهادت را نوعی افتخار می دانست و آرزو می کرد روزی شهید شود.چرا که معتقد بود که شهید نزد خداوند جایگاهی بس متعالی دارد.

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر